

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

شیری

ا.م. شیری

۳۱ اکتوبر ۲۰۱۳

## رسوائی در جلسه بین المللی برندگان جایزه صلح نوبل در وارسا

روز ۲۱ اکتوبر مراسم افتتاح سیزدهمین جلسه بین المللی برندگان جایزه صلح نوبل، که معمولاً اینگونه جلسات را میخائیل گوربچوف، «اولین و آخرین رئیس جمهور» اتحاد شوروی و شخصیت بسیار محبوب غرب افتتاح می کند، پیش رفت. زیرا، این جلسه بدون حضور گوربچوف و در شرایط پریشان حالی میزبان، لخ والیسا، «رئیس جمهور» سابق پولند (۱۹۹۵-۱۹۹۰) در وارسا، پایتخت پولند گذاشتن یافت و دقایقی بعد، با سخنرانی مایرید کوریگان (Mairead Corrigan)، یکی دیگر از برندگان جایزه صلح نوبل به افتضاح کشیده شد<sup>(۱)</sup>.

مایرید کوریگان، صلحدوست ایرلندی، برنده جایزه صلح نوبل سال ۱۹۷۶ (مشترکاً با بتی ویلیامز) به خاطر حل و فصل مناقشه ایرلند شمالی، در بخشی از سخنان هیجان انگیز خود، اعطای جایزه صلح نوبل سال ۲۰۰۹ به بارک اوباما را به شدت تقبیح نمود و با حمله بی پروا به امریکا و اروپا، ارتش ناتو را یک ارتش اشغالگر و متجاوز خواند. او گفت: «ما همه می دانم که در عراق تسلیحات امحاء جمعی وجود نداشت، با این وجود، این کشور را بمباران کردند. الان غریبهها در مقابل هر کشور نامطلوبی مثل عراق، لیبیا حتا گردن کلفتی می کنند. آنها اقدام خود را تجاوز انساندوستانه می نامند. می گویند موظف به دفاع از شهروندان غیرنظامی هستند و کشور را با بمبارانها و موشکهای بالدار با خاک یکسان می کنند. اکنون ایران و کوریای شمالی در نوبت بعدی هستند...»<sup>(۲)</sup>.

در مورد اعطای جایزه صلح نوبل سال ۲۰۰۹ به رئیس جمهور امریکا، بارک اوباما، همچنین، به نوشتاری تحت عنوان «ریش دست شما، قیچی دست شماست»، رجوع کنید<sup>(۳)</sup>.

علاوه بر این، یک روز پس از افتضاح در جلسه بین المللی برندگان جایزه صلح نوبل در وارسا، سازمان عفو بین الملل دولت امریکا را به علت کشتار مردم غیرنظامی یمن و پاکستان با هواپیماهای بی سرنشین به ارتکاب جرایم جنگی متهم کرد و تصریح نمود که دولت اوباما از دستیابی دیده بانان حقوق بشر به واقعیات بیشتر جلوگیری می کند<sup>(۴)</sup>.

موضوع قابل ذکر دیگر در رابطه با امپریالیسم امریکا این است که یک روز قبل از گذاشتن جلسه بین المللی برندگان جایزه صلح نوبل در وارسا، برخی رسانه ها از ابداع نوع جدیدتر ماده مخدر بنام «تمساح» در امریکا (احتمالاً توسط دولت امریکا) خبر دادند که از همان اولین بار استعمال آن، فرد معتاد می شود و در عرض کمتر از دو ماه از پای درمی آید. در ادامه همین گزارش گفته می شود، که روانشناسان امریکائی گروههایی از جوانان را برای قتل و کشتار تربیت می کنند...<sup>(۵)</sup>.

در ارتباط با یادآوری گزارشات خبری فوق، توضیح و بررسی چند نکته ضروری به نظر می رسد:

**نکته اول-** در مورد چرائی پریشان حالی لخ والیسا در جلسه بین المللی برندگان جایزه صلح نوبل. خود «قهرمان» موضوع را با مرخصی اخیرش از بیمارستان توضیح داد. اما، به نظر می رسد این دلیل، نه واقعی بود و نه، کافی. گمان می رود، علت آن، اساساً با نفرت عمومی نسبت به وی انزوای او در جامعه، به خصوص در جامعه پولند بستگی داشته باشد. فراموش نباید کرد زمانی که در سالهای نود قرن گذشته، در اثر حمله سراسری دنیای سرمایه به عدالت اجتماعی، فضای جهانی چنان به سود نیروهای فوق ارتجاعی تغییر یافت که لخ والیسا، این بز طلا به دار گله خائنان و وطن فروشان معاصر، با کمک و پشتیبانی همه جانبه سیاسی، تبلیغاتی، تشکیلاتی، ایدئولوژیک و مالی همان دولتهائی که امروز خود را «دوستانه سوریه» می نامند و دیروز، «دوستان» خلقهای سومالی، افغانستان، عراق، لیبیا، مصر، یمن و ... می خواندند، پس آن که با اکثریت بزرگ آراء رأی دهندگان فریب خورده پولندی به ریاست جمهوری این کشور برگمارده شد، کار، تولید، علم و تمام زیرساختهای اقتصادی پولند را نابود ساخت، کشور تحت «رهبری» خودش را به فاحشه خانه و مرکز صدور فاحشه تبدیل کرد. پولند را به زیر سلطه استعماری غرب کشانید و به عضویت ارتش جنائی امپریالیسم- ناتو- در آورد... اما، زمان زیادی طول نکشید که مردم فریب خورده و «امی»، ولی در واقع بسیار داناتر و آگاه تر از بسیاری یاوه گویند دانشمندان، به تجربه به فریبکاری غرب امپریالیستی، به خصوص، دولتهای آنگلساکسونی و همچنین، به اشتباه خود پی بردند و سعی کردند اشتباه تاریخی خود را در انتخابات بعدی ریاست جمهوری تصحیح نمایند. در راستای تصحیح همین اشتباه بود، که لخ والیسا در دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری پولند فقط از پشتیبانی دو دهم (۲/۰) درصد رأی دهندگان پولندی برخوردار شد... اگر چه این مشت آهنین رأی دهندگان پولندی در شرایط گرفتاری پولند در پنجه استعمار بی تأثیر بود، اما پس از آن لخ والیسا سر در لاک خود فرو برد و به دلیل نفرت و انزجار عمومی نسبت به وی، از نظرها پنهان گردید. به احتمال بسیار قوی، علت پریشان حالی قهرمان خیانت به کشور و مردم پولند در جلسه بین المللی برندگان جایزه صلح نوبل در وارسا نیز همین بوده است.

**نکته دوم-** عدم حضور میخائیل گوربچوف. در گزارشات خبری رسانه ها، هیچ توضیحی در باره علت غیبت میخائیل گوربچوف در سیزدهمین جلسه بین المللی برندگان جایزه صلح نوبل داده نشد. اما، دلیل واقعی آن تا حدود بسیار زیادی روشن است.

میخائیل گوربچوف، بزرگترین خائن و جنایتکار تمام تاریخ بشر، تا آنجا که بنده اطلاع دارم، مدتهاست که به محاق رفته و از انظار پنهان شده است. اگر ولی نعمت های آنگلساکسون وی در اینجا و آنجا نامی از او نبرند، هیچ کس، چه در خرابه های باقی مانده از اتحاد شوروی و چه در خارج از آنها به فکر او نیست. زیرا، نه تنها خلقهای کشورهای «بلوک شرق»، حتی همه بشریت مترقی از سالها پیش می دانند که در اثر خیانت دهشتناک میخائیل گوربچوف و باندهای مزدور داخلی همنوای او به کشور اتحاد شوروی و خلقها، حزب و دولت تحت «رهبری» آنها، غرب امپریالیستی نه فقط موفق شد عدالت اجتماعی را تخریب و اتحاد شوروی را تجزیه نموده و تمام اجزای آن را (منهای جمهوری بلاروس که علی رغم تمام حملات و فشارهای امپریالیسم موفق شد نظام اجتماعی- اقتصادی عادلانه را حفظ نماید)، به زائده سرمایه داری و اغلب آنها را به حیاط خلوت و مستعمرات مفلوک امپریالیسم تبدیل کند، بلکه، سبب تخریب راه آغاز شده بشریت به سوی عدالت اجتماعی، و همچنین، نوزائی و توسعه فاشیسم مهارگسیخته غرب و حمله سراسری آن به کل جهان و همه دستاوردهای بشری گردید و زمینه مباران و ویرانی دهها کشور و بیکاری، فقر و خانه خرابی صدها میلیون نفر و کشتار دهها میلیون نفر دیگر در اثر حملات جنون آمیز امپریالیسم امریکا و متحدانش را فراهم ساخت. با این توصیف مختصر، تصور این که میخائیل گوربچوف، حتی تحت تدابیر شدید امنیتی، جسارت حضور در مجامع عمومی را داشته باشد، یک تصور باطل است.

**نکته سوم-** این که هر کسی، می بایست پاسخ یکسری سؤالات را، حداقل برای خودش، بدهد. مثلاً، امریکا خودش را چه کاره این جهان می داند و از جان و مال بشریت چه می خواهد؟ چرا امریکا مجاز است علی رغم راه اندازی کشتارهای میلیونی (کوریا، ویتنام، کامبوج، ایران، اندونزی، عراق، افغانستان، لیبیا، سودان، سومالی، سوریه، پاکستان، مصر، یمن، به طور کلی در تمام کشور های آسیا، امریکای لاتین، اروپا، افریقا)، دم از «دمکراسی» و «حقوق بشر» بزند؟ آیا می تواند این واقعیت بدیهی را بپذیرد که دولت امریکا، همانطور که بارک اوباما در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصریح نمود<sup>(۲)</sup>، از ایدئولوژی صهیونیسم پیروی می کند؟ چرا هر کشوری باید با امریکا رابطه «حسنة» داشته باشد؟ آیا به خاطر این است که این دولت یک سارق مسلح بین المللی است، قریب نهصد پایگاه نظامی زورگیری در سراسر جهان دارد، با دالر بی هیچ پشتوانه و نیروی نظامی، سلطه خود را به جهان اعمال می کند؟ چرا برنامه هسته ئی ایران یا جمهوری دمکراتیک خلق کوریا فقط برای امریکا و متحدان اروپائی آن مشکل است؟ چرا فقط امریکا و متحدانش وظیفه «جنگ با تروریسم» را به عهده گرفته اند؟ چرا فقط امریکا و متحدانش می توانند هر کشور دلخواهی را تهدید کنند، تحریم نمایند، بمباران و ویران سازند...؟ اگر کشوری با امریکا رابطه نداشته باشد، مثلاً چه چیزهایی را از دست می دهد؟ مواد مخدر، بلوکه کردن نقدینگی هایش در قمارخانه های امپریالیستی (از جمله، بانک جهانی)، یا رواج و اشاعه بیماریها کشنده؟ چرا امریکا حق دارد گسترده ترین مقدار تسلیحات امحاء جمعی (اتمی، کیمیائی، میکروبی و غیره) را در اختیار داشته باشد؟ جاسوسی جهانی امریکا و صدها چرای دیگر پیشکش وازدگان سیاسی. و لذا، بدون دادن پاسخ صریح به این پرسشها، بدون شناخت و آگاهی به خصوصیات و ویژگی های امپریالیسم امریکا، یا باید «ورزشکار» بود و مثل دولت غربگرای «اعتدال و امید» آقای حسن روحانی در مقابل امپریالیسم امریکا، این راهزن بین المللی به نمایش «نرمش قهرمانانه» (به زبان ساده تر، دولا و راست شدن) مشغول شد، که خود این چیزی نیست جز تبعیت از فرامین سارق مسلح و سجده در پیش پای گردن کلفتی، که در همه حال خواست خود را به کرسی خواهد نشاند یا باید پذیرفت، که دیگر زمان اتحاد و اتفاق همه خلقهای آزادیخواه، عدالت طلب و صلحدوست جهان برای مهار حاکمان مهاجم امریکا، این دیوانگان زنجیرگسیخته، فرارسیده است.

نکته آخر و مهمتر از همه این که، علی رغم بازتاب جهانی به ویژه، سخنان **مایرید کوریگان** در جلسه بین المللی برندگان جایزه صلح نوبل در وارسا و بیانیه عفو بین الملل، حیرت آور است که رسانه های فارسی و دری زبان وابسته به گروهها و دستجات لیبرال و غرب زده، به ویژه، آن دسته از وازدگان به اصطلاح سیاسی که تا زمان خیانت دهشتناک باند مزدور گوربچوف به چیزی کمتر از «سوسیالیسم، همین امروز» رضایت نمی دادند، در مقابل اخبار و گزارشات فوق الذکر سکوت قبرستانی اختیار کردند. چرا؟ در صورتی که همه آنها علی الظاهر معترفند که چشم بستن بر واقعیات، یک تبهکاری آشکار است.

۷ آبان- عقرب ۱۳۹۲

## منابع

(۱) و (۲)-

<http://www.vesti.ru/videos?vid=546868>

(۳)-

<http://www.mashal.org/content.php?c=bainenmelal&id=00651>

[http://jenhezdetajavoz.blogspot.com/2009\\_10\\_01\\_archive.html](http://jenhezdetajavoz.blogspot.com/2009_10_01_archive.html)

(۴)-

<http://news.wikipg.com/news/1479138/>

-(۵)

<http://www.vesti.ru/>(20.10.2013)

-(۶)

<http://www.hafteh.de/?p=49506>